

Designing a human resource empowerment model with the aim of developing employment for the middle and low-income groups of the society, relying on home businesses and cooperative

Milad Bakhsham

PhD student of Entrepreneurship, Department of Management and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.

(Corresponding Author). Da.miladbakhsham@gmail.com

Mahdi Hosseinpour

Assistant Professor Management and Entrepreneurship Department, Razi University, Kermanshah, Iran.

m.hosseinpour@razi.ac.ir

Mohammad Mohammadnejad

Assistant Professor Department of Industrial Engineering, Faculty of Engineering Islamabad, West, Razi University, Kermanshah, Iran.

Mmohammadnejad366@gmail.com

Masoumeh Ayeneh

PhD student of Entrepreneurship, Department of Management and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.

masomehayneh@gmail.com

Abstract

The current research was carried out with the aim of designing a model of human resource empowerment with the aim of developing employment for the middle -and low-income classes of the society by relying on home jobs and cooperatives. The research is of a mixed type (qualitative-quantitative) using interview and questionnaire tools. The study population was conducted in the qualitative part of the key knowledgeable people with experience, the specialists of the university professors in the field of management, economics, entrepreneurship, and in the quantitative part of the research, the statistical community of experts of Kermanshah province was conducted. Sampling in the qualitative part was done theoretically and with the benefit of targeted (judgmental) and snowball techniques, and in the quantitative part, available samples were selected. The criteria for selecting the sample size in the qualitative section was theoretical saturation and in the quantitative section, the table proposed by Morgan and Karjesi was set to 30 in the qualitative section and 45 in the quantitative section, respectively. The tool of data collection in the qualitative part is in-depth and semi-structured interview and in the quantitative part, the researcher made a questionnaire. The evaluation of internal validity (validity) was determined in the qualitative part of the research using four criteria: pluralism, engagement with the topic, member approval and peer review, and in the quantitative part using content validity; Also, measuring the internal reliability of the tool (reliability) in the qualitative

part of the research, respectively, retest reliability, and in the quantitative part, correlation coefficient and Cronbach's alpha index. Holstein's reliability formula calculated in the qualitative and quantitative part obtained a number of 89%, which indicates the reliability and reliability of the tool. Data analysis was used in the qualitative part using the qualitative (thematic) content analysis method and in the quantitative part, descriptive and inferential statistics were used. The results of the inductive content analysis of the data obtained from the interviews, through the three procedures of categorization, conceptualization, and coding, resulted in the identification of 400 codes, 44 concepts, and 7 categories, based on which, the human resource empowerment model with the aim of developing employment for the middle and low-income sections of the society is based on It was designed for home businesses and cooperatives. In short, the results of the findings of this research show; Empowerment of human resources is influenced by various factors, including seven political-regulatory, economic, educational, and social factors; cultural; Motivation and individual and personality factors are the most important. The results of Friedman's test showed that among the aforementioned components, educational factors had the most influence and personal and personality factors had the least influence in the empowerment process. Also, the effectiveness of all components was confirmed by using the T-Tech test.

Keywords: design, model, human power empowerment, employment, middle- and low-income classes, home businesses, cooperatives

طراحی مدل توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها

میلاذ بخشم

دانشجوی دکترای کارآفرینی، گروه مدیریت و کارآفرینی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

(نویسنده مسئول) Da.miladbakhsham@gmail.com.

مهدی حسین پور

استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

m.hosseinpour@razi.ac.ir

محمد محمدنژاد

استادیار گروه مهندسی صنایع، دانشکده فنی مهندسی اسلام اباد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

Mmohammadnejad366@gmail.com

معصومه آینه

دانشجوی دکترای کارآفرینی، گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

masomehayneh@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها انجام شده است. پژوهش از نوع آمیخته و ترکیبی (کیفی - کمی) و با استفاده از ابزار مصاحبه و پرسشنامه است. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی افراد کلیدی مطلع صاحب تجربه، متخصصان اساتید دانشگاه در حوزه مدیریت، اقتصاد، کارآفرینی و در بخش کمی پژوهش جامعه آماری کارشناسان استان کرمانشاه انجام گردید. نمونه‌گیری در بخش کیفی به روش نظری و با بهره‌مندی از تکنیک‌های هدفمند (قضاوتی) و گلوله برفی و در بخش کمی، نمونه در دسترس انتخاب شد. معیار انتخاب حجم نمونه در بخش کیفی اشباع نظری و در بخش کمی جدول پیشنهادی مورگان و کرجسی بود که به ترتیب این تعداد در بخش کیفی ۳۰ و در بخش کمی ۴۵ نفر تعیین گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند و در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته است. سنجش قابلیت اعتبار درونی (روایی) در بخش کیفی پژوهش با استفاده از معیارهای چهارگانه؛ کثرت‌گرایی، درگیری با موضوع، تائید اعضا و بررسی همکار و در بخش کمی با استفاده از روایی محتوا تعیین گردید؛ همچنین سنجش قابلیت اعتماد درونی ابزار (پایایی) در بخش کیفی پژوهش به ترتیب، پایایی باز آزمون و در بخش کمی شاخص ضریب همبستگی و آلفای کرونباخ منظور گردید. فرمول پایایی هولستی محاسبه شده در بخش کیفی و کمی عدد ۸۹ درصد به دست آمد که بیانگر قابلیت اعتبار و اعتماد ابزار است. تجزیه و تحلیلی داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی (تماتیک) و در بخش کمی، آمار توصیفی و استنباطی مورداستفاده قرار گرفت. نتایج تحلیل محتوای استقرایی داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، طی سه رویه مقوله‌بندی، مفهوم‌سازی و کدبندی منتج به شناسایی ۴۰۰ کد، ۴۴ مفهوم و ۷ مقوله شد که بر پایه آن، مدل توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها طراحی گردید.

به اختصار نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد؛ توانمندسازی نیروی انسانی متأثر از عوامل گوناگونی است که هفت عامل سیاسی - نظارتی، اقتصادی، آموزشی، اجتماعی؛ فرهنگی؛ انگیزشی و عوامل فردی و شخصیتی از مهم‌ترین آن می‌باشند. نتایج مربوط به آزمون فریدمن نشان داد که در میان مولفه‌های فوق‌الذکر عوامل آموزشی بیشترین و عامل فردی و شخصیتی کمترین تاثیر را در فرایند توانمندسازی به خود اختصاص دادند. همچنین با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای تاثیرپذیری تمامی مؤلفه‌ها تأیید شد.

کلیدواژه‌ها: طراحی، مدل، توانمندسازی نیروی انسانی، اشتغال، افشارمتوسط و کم درآمد، مشاغل خانگی، تعاونی‌ها

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه

فصلنامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه، دوره ۳، شماره ۴، ص ۱۲۵-۱۴۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر محور و کانون اصلی نظریات مربوط به توسعه عموماً، بر کاهش فقر و بهبود استانداردهای زندگی تدوین و استوار گردیده است و توانمندسازی و افزایش پتانسیل‌های مردمی، امروز به کانون پارادایم‌های توسعه تغییر یافته‌اند. طبق این دیدگاه پدیده فقر نه الزاماً به‌عنوان نوعی فقر درآمدی، بلکه محرومیت از انتخاب شدن، برگزیدن و فقدان زندگی شرافتمندانه عنوان شده است (جهانی دولت‌آباد و جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۷). رویه و تئوری‌های توسعه در دهه اول قرن بیست و یکم، کارآفرینی خرد را (در بین گروه‌های کم‌درآمد) به عنوان یکی از پیش‌رآنها مهم در کاهش فقر می‌داند. رویکرد معیشت که در اواخر دهه ۱۹۹۰ در محافل علمی و سیاسی رایج شد، فقر را متشکل از عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی و محیطی متعدد و متقابل می‌داند و در واقعیت‌های پیچیده محلی نهفته است (ورست^۱، ۲۰۱۳). تعادل بین زندگی و کار یکی از دشوارترین مسائلی است که خانواده‌ها در قرن بیست و یکم با آن روبرو بوده‌اند. فشارهای اقتصادی طی یک دهه اخیر به میزان قابل توجهی نیاز به خانواده‌های دارای حقوق دو نفر را افزایش داده تا جایی که اکثر خانواده‌ها اکنون برای تأمین هزینه‌های زندگی خود به دو نان‌آور نیاز دارند. در همان زمان، تغییرات ساختاری در بازار کار منجر به «تصادفی» شدن نیروی کار و در نتیجه ایجاد تغییرات مهم برای کارمندان شده است. به‌عنوان مثال، دور شدن از کار دائمی به کار نیمه‌وقت، عادی و قراردادی، افزایش ساعات کاری نامنظم و ناپایدار و طولانی شدن کلی هفته کاری (بارت و همکاران^۲، ۲۰۰۸).

امروزه اعتقاد به مفاهیمی چون: عدالت، برابری و داشتن حق زندگی برای تمام اقشار و گروه‌های جامعه سبب شده است تا برنامه‌ها و سناریوهای مختلفی برای تحقق چنین هدف‌هایی طراحی و تدوین گردد. در همین زمینه بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند؛ بنا به دلایل متعددی امروزه باید نقش دولت‌ها در مباحث مربوط به اقتصاد کاهش‌یافته و نقش سایر بخش‌ها (مانند بخش خصوصی، نهادهای مدنی و تعاونی‌ها) پررنگ‌تر از گذشته شوند (جهانی دولت‌آباد و جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۷). این مهم نیز به‌خوبی در اسناد بالادستی و به‌طور ویژه در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز برجسته شده است به‌گونه‌ای که بندهای ۵، ۶ و ۷ (افزایش سطح عمومی اشتغال، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی و کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی) در ارتباط مستقیم با توسعه کسب‌وکارها و مشاغل خانگی و تعاونی‌ها تدوین شده است (وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۷). تردیدی نیست که رشد و نبوغ تمدن بشری و ظهور فناوری‌های نوین، امروز دل‌زدگی افراد از محیط‌های کاری مدرن و ظهور کسب‌وکارهای جدیدی را نوید می‌دهد و

1. Verrest

2. Barrett & et.al

این مسئله در سال‌های اخیر و با ادغام هرچه بیشتر محیط‌های کاری و خانگی نوعی جهش و توسعه این مفهوم را سبب‌ساز شده است (امیری و همکاران، ۱۳۹۸).

امروز کسب و کارهای خانگی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی خلق ثروت در هر کشور نقشی کلیدی در پیشرفت و توسعه پایدار آن ایفا نموده‌اند. نقش اشتغال در پویایی زندگی انسانها انکارناپذیر است و می‌توان آن را به‌عنوان کانون اتصال و ارتباط افراد با اجتماع تصور کرد (آگهی و همکاران، ۱۳۹۱). باید این نکته را برجسته کرد که توانمندسازی به‌منزله بخشی از زبان توسعه مطرح است و ارتباط تنگاتنگی با بهبود مستمر، ارتقای صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود عملکرد زنان دارد (اسکندری، ۱۳۹۸). درزمینه مشاغل خانگی، مطالعات انجام یافته حاکی از آن است که در کشورهای جهان سوم درصد کمی از زنان روستایی در این زمینه مشغول بکار می‌باشند و متأسفانه، کار خانگی این عده نیز در قالب نهاد یا موسسه خاصی تعریف نشده است. این وضعیت در واقع یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث شده کشور ما با وجود برخورداری از امکانات و منابع طبیعی و انسانی گسترده، با نرخ بالایی بیکاری نیز مواجه باشد که به اعتقاد کارشناسان، این مسئله تا حدودی ریشه در عدم استفاده از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های افراد دارد، با بهره‌گیری از این توانمندی‌ها می‌توان بیکاری و معضلات احتمالی حاصل از آن را کاهش داد. هران (پانا) - رئیس دبیرخانه ستاد ساماندهی حمایت از مشاغل خانگی می‌گوید از ابتدای اجرای طرح مشاغل خانگی تاکنون ۸۰۰ هزار شغل جدید در کشور به وجود آمده و فرایند صدور مجوز مشاغل خانگی به شکل الکترونیکی دنبال می‌شود (پور اسد، ۱۳۹۴). اقشار متوسط و کم درآمدی که در این پژوهش مد نظر است معمولاً افراد دهک‌های پایین یک جامعه هستند که از نظر درآمدی در سطح پایینی قرار دارند؛ بنابراین لازم است تا دولت در جهت ارتقاء وضعیت معیشت این گروه سیاست‌هایی را به اجرا درآورد (امیدی و چهارسوقی امین، ۱۳۹۷).

آمارهای گزارش شده و وجود مزایای راه اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی و حمایت از تعاونی‌ها با تأکید بر تعاونی‌های بومی در استان کرمانشاه و نقش عمده‌ای که این گونه کسب و کارها در تسهیل و تسریع توسعه ایفا می‌کنند و همچنین وجود موانع محیطی متعددی چون: موانع سیاسی، ساختاری، قانونی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و ... باعث شده است که این کسب و کارها به‌طور مناسب توسعه پیدا نکنند. بر این اساس و با توجه به اینکه تاکنون مطالعه ویژه‌ای در سطح شهر کرمانشاه درزمینه‌ی بررسی موانع پیش روی کسب و کارهای خانگی با تأکید بر توانمندسازی نیروی انسانی بومی در حمایت از تعاونی‌ها و مشاغل خانگی انجام نگرفته است؛ در همین راستای افزایش آگاهی و دانش علمی به‌منظور برنامه‌ریزی‌هایی با رویکرد راه‌اندازی، گسترش و حمایت کسب و کارهای خانگی انجام چنین پژوهشی در سطح شهر کرمانشاه ضروری کرده است. لذا، پژوهش حاضر بر آن است تا با ارائه مدلی جامع جهت توانمندسازی نیروی انسانی باهدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تأکید بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها تا حدودی به این مهم جامعه عمل بپوشاند.

۲- مبانی نظری

امروزه مسئله بیکاری و رشد تدریجی آن به یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام اقتصادی و سیاسی جوامع بدل شده است (جاوید نیا، ۱۳۹۱) و رشد آن به یکی از مظاهر توسعه یا عدم توسعه یافتگی یک کشور معنا می‌شود (تقی بیگی و همکاران، ۱۳۹۳). نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماع تلقی کرد. از دغدغه‌های مهم بنگاه‌های اقتصادی موفق جهان، گردآوری سرمایه انسانی فرهیخته و خردورزی است که قادر به ایجاد تحول در سازمانی که به آن متعلق هستند باشند. یک سازمان موفق مجموعه‌ای است مرکب از انسان‌هایی با فرهنگ سازمانی، اندیشه و اهداف مشترک که با کارگروهی در نظام انعطاف‌پذیر سازمان، تجارب و دانش خود را با عشق به پیشرفت روزافزون سازمان در اختیار مدیریت خود قرار می‌دهند. بنابراین هر فرد نسبت به سازمان و وظیفه‌ای که انجام می‌دهد، احساس مالکیت خواهد کرد. استفاده از توانایی‌های بالقوه منابع انسانی برای هر سازمانی مزیتی بزرگ به شمار می‌رود. در بهره‌وری فردی، سازمان از مجموعه استعدادها و توانایی‌های بالقوه فرد به‌منظور پیشرفت سازمان استفاده می‌کند و با بالفعل درآوردن نیروهای بالقوه و استعدادهای شگرف در جهت سازندگی موجب پیشرفت فرد و همسویی با سازمان خواهد شد بنابراین لازمه دستیابی به هدف‌های سازمان، مدیریت مؤثر این منابع با ارزش است (موریس و ویلکاکس، ۱۳۷۹).

رشد، پیشرفت، شکوفایی و ارتقای توانمندی‌های کارکنان در سالیان اخیر تحت عنوان توانمندسازی کارکنان مورد توجه صاحب‌نظران و کارشناسان مدیریت منابع انسانی واقع شده است. همان‌گونه که سازمانها به مقابله با چالش‌های سازمانی برمی‌خیزند و بهبود مستمر را در اولویت قرار داده‌اند، نیاز بیشتری به حمایت و تعهد کارکنان و درگیر کردن آنها در کار احساس می‌شود. توانمندسازی فن نوین و مؤثر در جهت ارتقای بهره‌وری سازمان به‌وسیله بهره‌گیری از توان کارکنان است. کارکنان به‌واسطه دانش، تجربه و انگیزه خود صاحب قدرت نهفته هستند و در واقع توانمندسازی آزاد کردن این قدرت است. این فن ظرفیت‌های بالقوه‌ای که برای بهره‌برداری از سرچشمه توانایی انسانی که از آن استفاده کامل نمی‌شود، در اختیار می‌گذارد و در یک محیط سالم سازمانی روشی متعادل را در بین اعمال کنترل کامل از سوی مدیریت و آزادی عمل کامل کارکنان پیشنهاد می‌کند (موریس و ویلکاکس، ۱۳۷۹). علاوه بر این محرک‌های محیطی متعددی وجود دارد که سازمانها را به توانمند کردن کارکنانشان ترغیب نموده‌اند. در این میان مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: اثرات فن آوری بر محیط کاری؛ رشد سریع فن آوری، تمامی جوانب سازمانها را به نوعی تحت تأثیر قرار داده است. تغییرات سریع فن آوری باعث تغییر ماهیت کارها شده است و رایانه‌ها، ربات‌ها و دستگاه‌های کاملاً خودکار جایگزین مشاغل روتین شده‌اند. این ابزار، تغییرات شدیدی در نوع مهارت‌های موردنیاز افراد و اعضای سازمانها ایجاد کرده‌اند. بدیهی است برای رویارویی با چنین چالشی کارکنان باید توانمند شوند یعنی در تمامی جهات رشد کنند. افزایش انتظارات مشتریان: امروزه مشتریان به کمک اینترنت قادرند وسایل موردنیاز خود

را به طور مستقیم و در بهترین قیمت رقابتی خریداری کنند. افزایش انتظارات مشتریان باعث افزایش انتظارات سازمانها از کترلی مناسب نخواهد بود بلکه - کارکنانشان شده است. تحت این شرایط، نه تنها سلسله مراتب دستوری برعکس باید بیاموزند ابتکار عمل داشته، خلاق باشند. در درون تیم‌های خودگردانی که برای انجام وظایف سنتی مدیران (از قبیل بودجه‌بندی، پاداش، کنترل، کیفیت، استخدام و...)...توانمند شده‌اند به‌خوبی ایفای نقش کرده و مسئولیت بیشتری برای اقداماتشان بپذیرند (باکینگهام و کلیتون، ۱۳۸۳).

امروز ظهور فناوری‌های جدید و مدرن سبب نوعی دل‌زدگی از محیط‌های کاری مدرن و آغازی برای ظهور کسب‌وکارهای جدید را نوید می‌دهد که این‌چنین تحولاتی مرزهای میان خانه و محیط‌های کاری را کمرنگ‌تر از گذشته کرده است. این مهم زمینه و بستر برای رشد فزاینده مفهومی جدیدی از کار تحت عنوان «کسب‌وکارهای خانگی»^۱ را فراهم آورده است. مشاغل خانگی با وجود اینکه طیف مختلفی از کسب‌وکارها را شامل می‌شود اما این مشاغل را در زمره کسب‌وکارهای خرد طبقه‌بندی می‌کنند و مهم‌ترین عنصر تمیز دهنده این کسب‌وکارها با سایر کسب‌وکارهای دیگر، قرار داشتن آنها در خانه است. به باور بسیاری از صاحب‌نظران اشتغال‌زایی بارزترین ویژگی کسب‌وکارهای خانگی بود است. انعطاف‌پذیری یکی از مهم‌ترین خصوصیت‌های مشاغل خانگی هست (امیری و همکار، ۱۳۹۸). مطالعات نشان داده است که مشاغل خانگی دارای پیامدهای اقتصادی (کلت و همکاران^۲، ۲۰۰۲) اجتماعی (ماسون و همکاران^۳، ۲۰۰۸) و فیزیکی (کلت و همکاران^۴، ۲۰۰۰) برای خانوارها و جوامع است.

از طرف دیگر در تعاونی‌ها با تجهیز و تمرکز افراد، سرمایه‌ها، افکار و قدرت‌های اقتصادی پراکنده افراد، آنها را قادر می‌سازند تا در سازمان تولیدی قدرت چانه‌زنی به دست آورده از منافع خودشان حمایت کنند. تعاونی‌های کارگری و کشاورزی نمونه‌ای موفق از این نوع هستند. تعاونی‌ها با گسترش و سازمان‌دهی مبادلات بازارها را گسترش داده و نقش تثبیتی مهمی را در بازارها ایفا می‌کنند. تعاونی‌ها قادرند با تمرکز و هدایت عرضه محصولات اعضا خود و ایجاد یک جریان دائمی و مطمئن از عرضه محصولات به بازار، نقش تثبیتی مهمی را به‌خصوص در ارتباط با قیمت‌ها ایفاء کنند (مردای نژاد و واحدی، ۱۳۹۸).

بیکاری و رشد آن به چالش‌های اصلی نظام‌های اقتصادی و سیاسی تبدیل شده و نشان‌دهنده توسعه یا عدم توسعه‌یافتگی کشورهاست. اشتغال نه تنها زندگی انسانها را پویا می‌سازد، بلکه در موفقیت بنگاه‌های اقتصادی نیز نقش اساسی دارد. برای یک سازمان موفق، نیروی انسانی با فرهنگ و اهداف مشترک ضروری است. توانمندسازی کارکنان به عنوان روشی نوین برای ارتقای بهره‌وری و استفاده از توانایی‌های بالقوه آنها مورد توجه قرار گرفته است.

1. Home Based Business (HBB)
2. Kellett & et.al
3. Mason & et.al
4. Kellett & et.al

عوامل متعددی سازمانها را به توانمندسازی کارکنان ترغیب کرده است، از جمله تغییرات سریع فناوری و افزایش انتظارات مشتریان. این تغییرات نیاز به مهارت‌های جدید و ابتکار عمل را ایجاد کرده است. ظهور کسب و کارهای خانگی و انعطاف‌پذیری آنها به عنوان ویژگی‌های مثبت دیگر در این زمینه معرفی شده است. تعاونی‌ها نیز به عنوان ابزارهایی برای تجهیز و تمرکز منابع افراد، قدرت چانه‌زنی و حمایت از منافع اعضا شناخته می‌شوند. این تعاونی‌ها می‌توانند بازارها را گسترش داده و نقش تثبیتی در قیمت‌ها ایفا کنند.

۳- پیشینه پژوهش

در بخش‌های گذشته به بررسی کامل مبانی نظری پژوهش پرداخته شد. اکنون در این قسمت، پیشینه پژوهش و تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط، بیان می‌شوند. البته پژوهشی که کاملاً مشابه با این موضوع باشد و طراحی مدل توانمندسازی نیروی انسانی باهدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها پرداخته باشد، یافت نشده است. همچنین با توجه به فضای ویژه کسب و کار در ایران، بررسی مطالعات داخلی اهمیتی دوچندان دارد؛ از این رو، در بخش حاضر پژوهش‌هایی که در تعدادی از جنبه‌ها به این موضوع نزدیک باشند، آورده شده‌اند.

۳-۱- پیشینه داخلی

داوری و پرچمی (۱۳۹۹) در جافتادگی نهادی و اثربخشی آن بر کسب و کارهای خانگی دریافتند که قوانین و اقدامات مربوط به کسب و کارهای خانگی در کشورهای مختلف و ایران و اثربخشی آنها در ایران پرداخته است. همچنین نویسندگان عنوان می‌کنند که در ایران اقداماتی در قالب سیاست‌گذاری، قوانین و حمایت‌ها برای گسترش کسب و کارهای خانگی صورت گرفته که آنها هم با چالش‌هایی مواجه و اثربخشی‌شان کاهش یافته است. بر اساس یافته‌ها این پژوهش، در ایران در مراحل سه‌گانه حیات کسب و کار اقداماتی انجام شده اما این مداخلات عموماً در مرحله شکل‌گیری بوده و در مراحل تثبیت و رشد اقدام کمتری انجام شده است در جافتادگی نهادی کسب و کارهای خانگی و فرایند قانونی، اداری و اجرایی این اقدامات مشکلاتی وجود دارد که مانع دسترسی کسب و کارها از حمایت‌ها می‌شود اما هنگامی که کسب و کارها به این اقدامات دسترسی داشته‌اند، موفق‌تر بوده‌اند. دسترسی به اطلاعات، گرفتن مجوز، وام و بازار در اقدامات انجام شده بیشترین تأثیر را در موفقیت کسب و کارهای خانگی داشته است.

بهرامی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان اثرات اقتصادی-اجتماعی صنایع روستایی (صنایع دستی و مشاغل خانگی) بر توسعه روستایی مورد: روستاهای شهرستان سنندج به این نتیجه رسیدند که بین توسعه صنایع روستایی و توسعه

اقتصادی و اشتغال‌زایی خانوارهای روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به طوری که توسعه صنایع روستایی موجب افزایش سطح درآمد، اشتغال‌زایی و کاهش سطح بیکاری در روستاهای موردنظر شده است. بیشترین تأثیر توسعه صنایع روستایی مربوط به شاخص اقتصادی با ضریب تأثیر زیاد ۵۴/۰۱ در شاخص اجتماعی ضریب تأثیر زیاد برابر با ۴۵/۱۲ درصد بوده است؛ بنابراین راهبرد توسعه صنایع روستایی ضمن توسعه اقتصاد محلی از طریق اشتغال‌زایی و درآمدزایی، می‌تواند به عنوان یک راهبرد توسعه‌ای برای تحریک اقتصاد روستا تلقی گردد.

امیری و همکاران (۱۳۹۸) در مفهوم‌پردازی چالش‌های کسب و کارهای خانگی در روستاهای استان کرمانشاه دریافتند که چالش‌های کسب و کارهای خانگی در روستاهای استان کرمانشاه، متأثر از عوامل گوناگونی است که در شرایط علی، مداخله‌ای و زمینه‌ای قابل طبقه‌بندی بوده و پیامدهای مختلف شامل بی‌انگیزگی فعالان، ایجاد مانع روانی برای تازه‌واردان، افزایش مهاجرت از شهر به روستا و کاهش توان رقابتی کسب و کارها نیز برای آن قابل طرح هستند.

مرادی نژاد و واحدی (۱۳۹۸) واکاوی موانع راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی استان ایلام نتایج نشان داد، عامل‌های اقتصادی-سیاستی، تجربه کسب و کار، مهارتی، آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و روان‌شناختی در مجموع ۵۳/۳ درصد از واریانس کل موانع راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی استان ایلام را تبیین نمودند.

۳-۲- پیشینه خارجی

روشنی و میسون^۱ (۲۰۲۰) در مشارکت مشاغل خانگی در اقتصاد دیجیتال به این نتیجه رسیدند که مشارکت مشاغل خانگی در تجارت دیجیتال می‌پردازد که به نسبت فروش آنها از خرید و فروش خدمات و محصولات بصورت آنلاین از کل فروش آنها اندازه‌گیری می‌شود. یافته‌ها از نمونه ۹۹۴ مشاغل کوچک و متوسط عضو فدراسیون مشاغل کوچک در اسکاتلند نشان می‌دهد مشاغل مستقر در خانه با تعداد زیادی از فروش آنلاین در ارتباط هستند که از دیدگاه مشاغل خانگی به عنوان مشاغل «آنلاین» پشتیبانی می‌کنند.

دو و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در بررسی تأثیر ویژگی‌های شبکه مشاغل خانگی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خارجی چینی این استدلال را داشتند که عضویت در شبکه‌های بازار خارجی شرط لازم برای بین‌المللی شدن است در کسب و کارها و کسب و کارهای خانگی است. ملاسیاری و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در آنالیز سطح رفاه خانگی

1. Reuschke & Mason

2. Du & et.al

3. Mellasyari & et.al

از مشاغل خانگی در شهر سولوک نوشتند که شود مشاغل خانگی یک واحد خرد است که هر ساله به رشد خود ادامه می‌دهد و این بر اقتصاد شهر سولوک تأثیر می‌گذارد. همچنین درآمد کارآفرینان خانگی ۷۸٪ بالاتر از حداقل دستمزد افراد این استان است.

بن دهاری و همکاران (۲۰۱۹) در بررسی عوامل اصلی موفقیت در مشاغل خانگی در میان زنان کارآفرین در عربستان سعودی یافتند که عوامل مؤثر در کسب و کارهای کوچک شامل دسترسی به بودجه، کفایت پس انداز و تأثیر انگیزه ذاتی و بیرونی در شروع کار است. در همین حال، موانع مقررات و سیاست‌های دولت، فرهنگ و غیره نیز می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر در یک بُعد توسعه‌ای و در بُعد دیگر کاربردی است؛ زیرا از یکسو به دنبال دانش‌افزایی حاصل از ارائه مدل با متغیرهای جدید، چندبُعدی و بومی (توسعه‌ای) است و از سوی دیگر یکی از اهداف این پژوهش ارائه راهکارهای کاربردی برای توانمندسازی نیروی انسانی باهدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها است (کاربردی). این پژوهش در مرحله کیفی از رویکرد استقرایی و در مرحله کمی از رویکرد فرضیه‌ای-قیاسی بهره برده است. داده‌های این پژوهش از دو منبع به دست آمده است. داده‌های دست‌اول از مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها حاصل شده و داده‌های دست‌دوم از کتاب‌ها، مقاله‌ها، اسناد، مدارک و تجربیات منتشر شده در رابطه با موضوع پژوهش به دست آمده است. از این منظر پژوهش حاضر را می‌توان در زمره پژوهش‌های میدانی-کتابخانه‌ای به‌شمار آورد. راهبرد پژوهش در این مطالعه استفاده از راهبرد ترکیبی است که در بخش کیفی راهبرد آن تفسیری (برای شناسایی مولفه‌ها) و در بخش کمی استفاده از استراتژی پیمایش (جهت اولویت بندی) خواهد بود. در بخش کیفی این پژوهش جامعه مورد مطالعه از مدیران، متخصصان و کارشناسان ذیربط، سیاستگذاران و مسئولان در استان کرمانشاه تشکیل شده است؛ منظور از متخصصان و کارشناسان، مسئولان سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در استان، خبرگان و اساتید صاحب‌نظر دانشگاه و کارشناسان حوزه‌های مختلف از نهادها، دستگاه‌های اجرایی و سازمانها مانند استانداری؛ اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی، خانه صنعت، معدن و تجارت؛ سازمان صنعت، معدن و تجارت؛ اتاق بازرگانی و غیره بودند.

در این پژوهش با توجه به اهمیت جمع‌آوری داده‌ها از افراد مطلع کلیدی، از روش نمونه‌گیری نظری (هدفمند) و گلوله برفی استفاده شد. با توجه به اینکه موضوعات پژوهش توانمندسازی نیروی انسانی باهدف توسعه اشتغال برای

اقتدار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها است، افراد متخصصی که در بخش‌ها و واحدهای سازمانی در ادارت مرتبط با حوزه پژوهش به عنوان جامعه آماری که متشکل از خبرگان می‌باشند در نظر گرفته شده‌اند. همچنین این جامعه شامل مدیران ارشد، کارشناسان و مشاوران با سابقه بالای چهار سال و افراد دارای مدرک حداقل کارشناسی مرتبط با موضوع پژوهش در استان می‌باشد. حجم جامعه مذکور با استعلام از تعاونی‌های تحت نظر مدیریت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی بدست آمده است که نزدیک به هزار نفر اعلام شد. در جوامعی که جمعیت‌های ناهمگن یا نامتجانس است و توزیع جمعیت در گروه‌ها و طبقات مختلف متفاوت است، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده می‌شود. بر همین پایه به دلیل ناهمگن بودن جامعه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده می‌شود. معیار انتخاب حجم نمونه در بخش کیفی اشباع نظری و در بخش کمی جدول پیشنهادی مورگان و کرجسی بود که به ترتیب این تعداد در بخش کیفی ۳۰ و در بخش کمی ۴۵ نفر تعیین گردید. از دو ابزار برای گردآوری داده‌ها در بخش کیفی استفاده گردید یکی مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختارمند و دیگری یادداشت‌ها، اسناد و نقل قول‌های مرتبط می‌باشد که در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. روایی در بخش کیفی از اعتبار محتوا و در بخش کمی از پایایی باز آزمون استفاده شده است. پایایی در بخش کیفی از توافق درون موضوعی و در بخش کمی از ضریب الفای کرونباخ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی (تماتیک) و در بخش کمی، آمار توصیفی و استنباطی مورد استفاده قرار گرفت.

سؤال اصلی:

- مدل مفهومی توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تأکید بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها چیست؟

سؤال‌های فرعی:

- مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در توانمندسازی نیروی انسانی باهدف توسعه مشاغل خانگی و تعاونی‌ها چیست؟
- تأثیرگذارترین (رتبه‌بندی) مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه مشاغل خانگی و تعاونی‌ها کدام است؟
- ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در استان کرمانشاه جهت ایجاد و توسعه مشاغل خانگی و تعاونی‌ها کدام‌اند؟

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- یافته‌های بخش کیفی پژوهش

در این بخش به تجزیه و تحلیل یافته‌ها در قالب عوامل مؤثر در فرایند توانمندسازی نیروی انسانی در ایجاد مشاغل خانگی و تعاونی‌ها اقدام شده است. در مرحله اول متون پیاده‌سازی شده و مصاحبه‌ها به دقت بررسی شد؛ پس از دسته‌بندی داده‌های با ارزش و حذف داده‌های تکراری، با روش تحلیل محتوا و تحلیل مضمون، مفاهیم ظهور یافت؛ سپس با دسته‌بندی آنها در یک سطحی انتزاعی‌تر زیر مقوله‌ها شکل گرفت تا در نهایت مقوله‌های اصلی پژوهش به دست آمد.

جدول ۱. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها به عنوان عوامل مؤثر بر توانمندسازی نیروی انسانی

تکرار کد	مفاهیم	مقوله	مصاحبه کد
5	حمایت از نوآوران در ارائه طرح‌های نوین کارآفرینی	عوامل سیاسی و نظارتی	S1
3	حذف و کاهش موانع کارآفرینی		
2	اصلاح قوانین و مقررات دست و پا گیر		
6	ارائه سند مالکیت به کسب و کارهای خانگی		
2	اعطای تسهیلات به کارآفرینان جهت بازاریابی محصولات		
4	تامین امکانات زیرساختی مورد نیاز برای راه اندازی کسب		
5	فراهم آوردن امکاناتی جهت دسترسی بهتر به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی		
6	خط و مش گذاری در حوزه مشاغل خانگی		
2	تنظیم قوانین مبنی بر نظارت و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی		
1	کاهش رانت و فساد اداری		
3	کاهش زمان صدور پروانه های بهره برداری		
4	جلوگیری از ورود و عرضه کالاهای قاچاق در بازار داخلی		
5	حمایت از ایده‌ها تجاری		
4	کاهش بروکراسی های اداری		

تکرار کد	مفاهیم	مقوله	مصاحبه کد
3	تخفیف‌های مالیاتی برای کسب و کارهای خانگی	عوامل اقتصادی	S2
7	حمایت و دسترسی آسان به تسهیلات بانکی		
2	اعطای امتیاز به افراد با مشاغل خانگی		
1	رفع موانع بانکی		
4	افزایش مبالغ وام دریافتی		
5	افزایش زمان بازپرداخت تسهیلات		
7	تخصیص وام‌های با نرخ بهره پایین		
8	شبکه سازی میان تشکل‌های منطقه	عوامل اجتماعی	S3
3	تقویت مشارکت‌های مدنی		
5	عضوگیری در تشکل‌های روستایی		
5	باور موافق اطرافیان به فعالیت‌های کارآفرینی		
4	ایجاد ذهنیت مثبت در باور افراد جامعه نسبت به کارآفرینی		
2	حذف کلیشه‌های و باورهای منفی	عوامل فرهنگی	S4
7	تقویت فرهنگ برابری جنسیتی		
4	ایجاد فرهنگ کارآفرینی		
6	تضعیف فرهنگ مردسالاری		
5	تضعیف سنت و باور غالب بر منطقه و روستا		
4	تضعیف عرف و آداب و رسوم غلط حاکم بر خانواده		
2	کسب و کار خود را داشتن	عوامل فردی و شخصیتی	S5
3	داشتن تجربه قبلی کارآفرینی		
6	انگیزه کسب استقلال مالی		
8	تقویت روحیه کار تیمی		

تکرار کد	مفاهیم	مقوله	مصاحبه کد
4	ریسک پذیری و تحمل ابهام		
5	انگیزه کسب منزلت اقتصادی و اجتماعی بالاتر	عوامل انگیزشی	S6
6	مورد تشویق قرار گرفتن کارآفرین از سوی اعضای خانواده		
7	تشویق از سوی نهادهای دولتی		
4	برگزاری دوره‌های آموزشی و استفاده از تجارب کارآفرینان موفق منطقه	عوامل آموزشی	S7
3	ایجاد مراکز رشد کارآفرینی (کسب و کارهای خانگی)		
5	بازدید از فعالیت کارآفرینان موفق		
5	آموزش مهارت‌های کارآفرینی ارائه مشاوره و راهنمایی‌های فنی در زمینه کارآفرینی		

۲-۵- یافته‌های بخش کمی پژوهش

- رتبه‌بندی متغیرهای تحقیق

جدول زیر مهم ترین جدول آزمون فریدمن است و قبل از تفسیر جدول رتبه بندی ارائه گردیده است. در صورت معنی دار بودن آزمون فریدمن، به تفسیر نتایج جداول توصیفی و میانگین رتبه پرداخته خواهد شد. این جدول معنی داری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۲۲.۹۲ است که در سطح خطای کمتر از ۰.۰۵ قرار دارد ($P > 0.05$) معنی دار بودن آزمون فریدمن بدین معناست که رتبه بندی متغیرهای تحقیق از نظر پرسش شوندگان بامعناست. رتبه بندی متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون فریدمن صورت پذیرفته است. همان‌طور که در جدول زیر قابل مشاهده است، عوامل آموزشی با رتبه ۵ بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است و عوامل سیاسی و حاکمیتی با رتبه ۴.۴۸ در جایگاه دوم قرار دارد. رتبه بندی متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون فریدمن صورت پذیرفته است. همان‌طور که در جدول زیر قابل مشاهده است، عوامل آموزشی با رتبه ۵ بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است و عوامل سیاسی و حاکمیتی با رتبه ۴.۴۸ در جایگاه دوم قرار دارد.

جدول ۲. رتبه‌بندی متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیر	میانگین رتبه
۱	عوامل سیاسی و نظارتی	۴.۴۸
۲	عوامل اقتصادی	۴.۰۰
۳	عوامل اجتماعی	۳.۶۵
۴	عوامل فرهنگی	۳.۵۲
۵	عوامل فردی و شخصیتی	۳.۲۴
۶	عوامل انگیزشی	۴.۱۱
۷	عوامل آموزشی	۵.۰۰

آزمون T تک نمونه‌ای

جهت سنجش اختلاف یا عدم اختلاف میانگین نمونه از آزمون تی تک نمونه‌ای در عدد ثابت سه استفاده شده است. فرضیات زیر برای هر یک از متغیرها مفروض است:

فرضیه H_0 : میانگین نمونه بیشتر از سه می باشد.

فرضیه H_1 : میانگین نمونه کمتر از سه می باشد.

همانطور که مشخص است میانگین تمام متغیرها از عدد ثابت ۳ بالاتر است. این بدین معناست که فرضیه صفر مورد پذیرش است. و فرضیه یک مردود است.

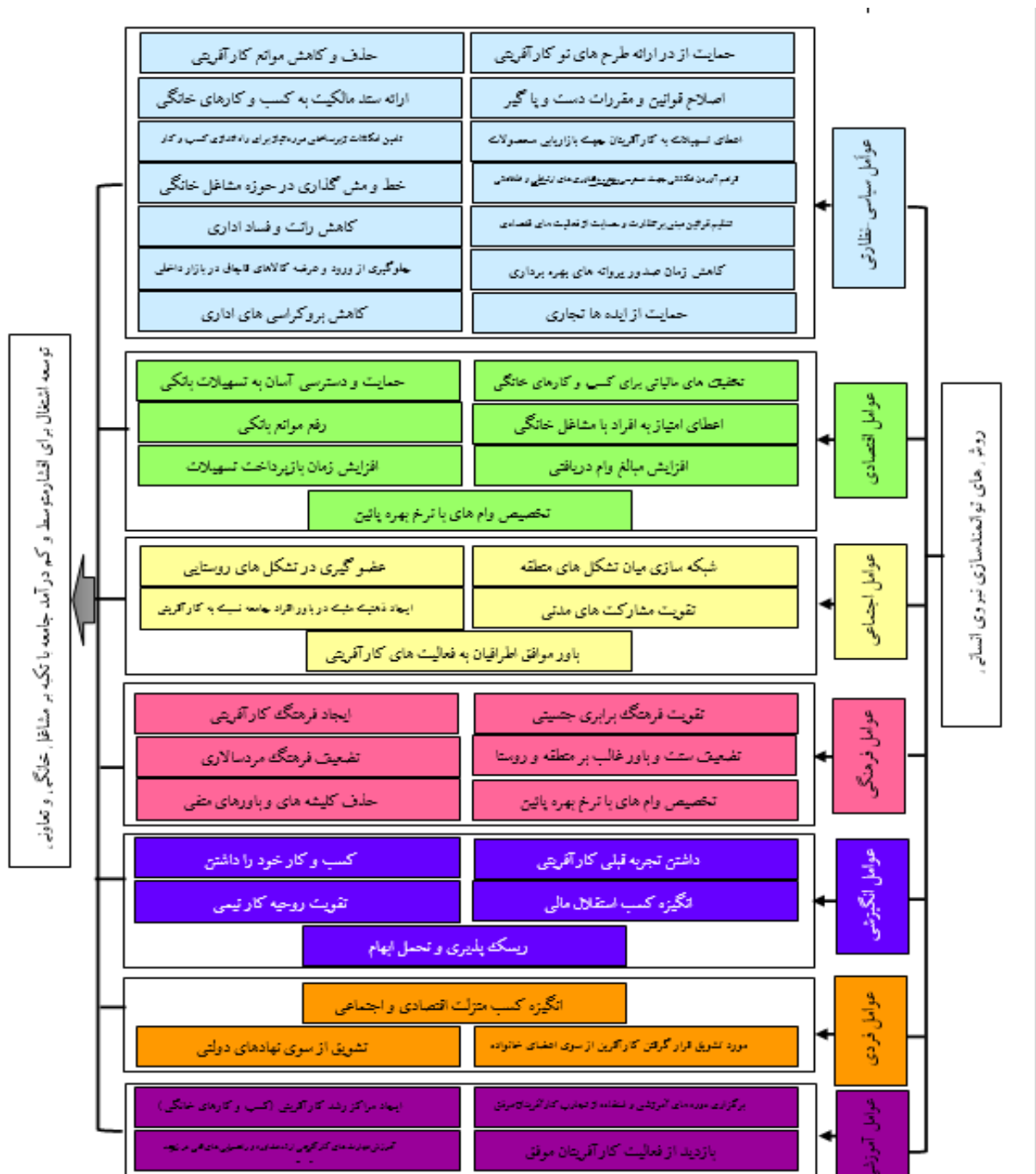
جدول ۳. نتایج T تک نمونه‌ای متغیرهای تحقیق

ردیف	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	معنی داری
۱	عوامل سیاسی و نظارتی	۴.۳۴۵۲	۰.۵۴۷۳۹	۰.۰۸۴۴۶	معنی دار
۲	عوامل اقتصادی	۴.۲۱۱۰	۰.۷۵۵۶۱	۰.۱۱۳۹۱	معنی دار
۳	عوامل اجتماعی	۴.۲۷۷۳	۰.۵۶۹۳۲	۰.۰۸۵۸۳	معنی دار

ردیف	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	معنی‌داری
۴	عوامل فرهنگی	۴.۱۹۷۰	۰.۶۳۵۱۸	۰.۰۹۵۷۶	معنی دار
۵	عوامل فردی و شخصیتی	۴.۱۷۲۷	۰.۶۷۴۵۸	۰.۱۰۱۷۰	معنی دار
۶	عوامل انگیزشی	۴.۳۴۸۵	۰.۵۴۷۲۷	۰.۰۸۲۵۰	معنی دار
۷	عوامل آموزشی	۴.۵۲۲۲	۰.۵۳۲۵۳	۰.۰۷۹۳۸	معنی دار

۶- بحث و نتیجه گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که اقشار متوسط و کم درآمد جامعه از منظر توانمندسازی نیروی انسانی در مشاغل خانگی و تعاونی‌ها در چه وضعیتی قرار داشته؛ مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در توانمندسازی نیروی انسانی در مشاغل خانگی و تعاونی‌ها را شناسایی و همچنین ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در استان کرمانشاه در مسیر راه اندازی مشاغل خانگی و تعاونی را بدست آورد. نتایج حاکی از آن است که پس از انجام مصاحبه، توزیع پرسشنامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که مدل توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها چگونه است؛ که شکل ۱ این مدل را به طور کامل بیان می‌کند. در خصوص پاسخ به پرسش اصلی پژوهش یعنی مدل توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها باید گفت که؛ شاخص‌های هفت گانه‌ای اصلی برای ساخت بدنه مدل توانمندسازی شامل: عوامل فردی و شخصیتی؛ عوامل اقتصادی؛ عوامل آموزشی؛ عوامل اجتماعی؛ عوامل فرهنگی؛ عوامل انگیزشی و در نهایت عوامل سیاسی- نظارتی هستند.



شکل ۱. تقسیم بندی عوامل مؤثر بر توانمندسازی نیروی انسانی (منبع: یافته های پژوهش)

نتایج نشان می دهند که مؤلفه ها و عوامل مؤثر در توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه مشاغل خانگی و تعاونی ها توانمندسازی نیروی انسانی متأثر از عوامل گوناگونی است که هفت عامل سیاسی- حمایتی (حمایت از نوآوران در ارائه طرح های نوین کارآفرینی، حذف و کاهش موانع کارآفرینی، اصلاح قوانین و مقررات دست و پا

گیر، ارائه سند مالکیت به کسب و کارهای خانگی، اعطای تسهیلات به کارآفرینان جهت بازاریابی محصولات، تامین امکانات زیرساختی مورد نیاز برای راه اندازی کسب، فراهم آوردن امکاناتی جهت دسترسی بهتر به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، خط و مش گذاری در حوزه مشاغل خانگی، تنظیم قوانین مبنی بر نظارت و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، کاهش رانت و فساد اداری، کاهش زمان صدور پروانه‌های بهره برداری، جلوگیری از ورود و عرضه کالاهای قاچاق در بازار داخلی، حمایت از ایده‌ها تجاری، کاهش بروکراسی‌های اداری، اقتصادی (تخفیف‌های مالیاتی برای کسب و کارهای خانگی، حمایت و دسترسی آسان به تسهیلات بانکی، اعطای امتیاز به افراد با مشاغل خانگی، رفع موانع بانکی، افزایش مبالغ وام دریافتی، افزایش زمان بازپرداخت تسهیلات، تخصیص وام‌های با نرخ بهره پائین)، آموزشی (برگزاری دوره‌های آموزشی و استفاده از تجارب کارآفرینان موفق منطقه، ایجاد مراکز رشد کارآفرینی (کسب و کارهای خانگی)، بازدید از فعالیت کارآفرینان موفق، آموزش مهارت‌های کارآفرینی ارائه مشاوره و راهنمایی‌های فنی در زمینه کارآفرینی)، اجتماعی (شبکه سازی میان تشکل‌های منطقه، تقویت مشارکت‌های مدنی، عضوگیری در تشکل‌های روستایی، باور موافق اطرافیان به فعالیت‌های کارآفرینی، ایجاد ذهنیت مثبت در باور افراد جامعه نسبت به کارآفرینی)، فرهنگی (حذف کلیشه‌های و باورهای منفی، تقویت فرهنگ برابری جنسیتی، ایجاد فرهنگ کارآفرینی، تضعیف فرهنگ مردسالاری، تضعیف سنت و باور غالب بر منطقه و روستا، تضعیف عرف و آداب و رسوم غلط حاکم بر خانواده)، انگیزشی (انگیزه کسب منزلت اقتصادی و اجتماعی بالاتر، مورد تشویق قرار گرفتن کارآفرین از سوی اعضای خانواده، تشویق از سوی نهادهای دولتی)، عوامل فردی و شخصیتی (کسب و کار خود را داشتن، داشتن تجربه قبلی کارآفرینی، انگیزه کسب استقلال مالی، تقویت روحیه کار تیمی، ریسک پذیری و تحمل ابهام) از مهم‌ترین آن می‌باشد.

در خصوص پاسخ به سوال تأثیرگذارترین (رتبه‌بندی) مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در توانمندسازی نیروی انسانی باهدف توسعه مشاغل خانگی و تعاونی‌ها کدام است باید گفت که تجزیه و تحلیل حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از آزمون فریدمن نشان داد؛ «عوامل آموزشی بیشترین امتیاز» و «عوامل فردی و شخصیتی» کمترین امتیاز را به دست آوردند. بطور کلی عوامل آموزشی در رتبه نخست؛ عوامل عوامل سیاسی و حاکمیتی در جایگاه دوم؛ عوامل انگیزشی در رتبه سوم؛ عوامل اقتصادی در جایگاه چهارم؛ عوامل اجتماعی در جایگاه پنجم؛ عوامل فرهنگی در رتبه ششم و در نهایت عوامل فردی و شخصیتی در جایگاه هفتم بیشترین و کمترین امتیازها را به خود اختصاص دادند.

در خصوص پاسخ به سؤال ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در استان کرمانشاه در مسیر راه اندازی مشاغل خانگی و تعاونی کدام است باید خاطر نشان کرد که در بخش دوم مصاحبه‌ها از مصاحبه شونده‌ها خواسته شد تا ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های استان کرمانشاه را در زمینه توسعه مشاغل خانگی و تعاونی‌ها بازگو کنند. در همین زمینه ظرفیت‌های زیر که بیشترین سازگاری را با استان کرمانشاه دارد مورد شناسایی قرار گرفت؛ ۱- گیوه‌بافی (مشاغل خانگی) ۲- نم‌بافی

(مشاغل خانگی) ۳- قالی بافی (مشاغل خانگی) ۴- گلیم بافی (مشاغل خانگی) ۵- تولید و بافندگی (مشاغل خانگی) ۶- صنایع دستی (مشاغل خانگی) ۷- تابلوسازی (مشاغل خانگی) ۸- تولید و فراوری گیاهان دارویی (مشاغل خانگی) ۹- تولید سبزیجات (مشاغل خانگی) ۱۰- خیاطی و گل دوزی (مشاغل خانگی) ۱۱- بسته بندی میوه‌های خشک (مشاغل خانگی) ۱۲- عروسک سازی (مشاغل خانگی) ۱۳- شیرینی پزی (مشاغل خانگی) ۱۴- تعاونی فرآورده‌های لبنی ۱۵- تعاونی پرورش آبزیان ۱۶- شرکت تعاونی‌های مصرف و توزیع.

توانمندسازی نیروی انسانی با هدف توسعه اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها می‌تواند راهکارهای مؤثری برای ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد افراد باشد. در ادامه، به برخی از پیشنهادات کاربردی برای این منظور اشاره می‌کنم: برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی در زمینه‌هایی که قابلیت اجرا در خانه را دارند، می‌تواند به افراد این امکان را بدهد تا مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند و با توانایی‌های خود در زمینه‌هایی مانند خیاطی، گل‌سازی، تولید صنایع دستی و غیره، درآمدزایی کنند. برای تسهیل فعالیت‌های خانگی و تعاونی‌ها، ارائه پشتیبانی فنی و مالی می‌تواند مفید باشد. به عنوان مثال، ایجاد مراکز مشاوره فنی و طراحی، ارائه وام‌های کم‌بهره به منظور تأمین ابزار و تجهیزات لازم و ایجاد مکانیزم‌های ساده برای حفظ کیفیت محصولات و بازاریابی آنها، می‌تواند از نظر فنی و مالی به افراد کمک کند. تشکیل تعاونی‌ها و اتحادیه‌های کارگری در بخش‌هایی که می‌توانند فعالیت‌های خانگی و تعاونی‌ها را پشتیبانی کنند، به افراد این امکان را می‌دهد تا به صورت گروهی فعالیت کنند و از تجربیات و منابع مشترک استفاده کنند. این ارگانها می‌توانند در زمینه‌هایی مانند تولید، بازاریابی، توزیع و تبلیغات به افراد کمک کنند.

ترویج و حمایت از بازار فروش محلی می‌تواند به افراد کم درآمد این امکان را بدهد تا محصولات خود را به صورت مستقیم به مشتریان خود عرضه کنند و از واسطه‌های بیشتری صرفه‌جویی کنند. ایجاد بازارهای محلی، نمایش محصولات در محل‌های عمومی مانند بازارها و نمایشگاه‌ها، تشویق به استفاده از فروشگاه‌های محلی و سیستم‌های توزیع مبتنی بر ارتباط مستقیم بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، می‌تواند به افراد در توسعه کسب و کار خانگی و تعاونی‌ها کمک کند. تشکیل شبکه‌های همکاری و همبستگی بین افرادی که در زمینه‌های مشابه فعالیت می‌کنند، می‌تواند به اشتراک گذاری منابع، تجربیات و دانش، ارتقای کیفیت محصولات و افزایش رقابت‌پذیری کمک کند. این شبکه‌ها می‌توانند از طریق جلسات مشارکتی، آموزش‌ها، تبادل تجربیات و توسعه مشترک محصولات شکل گیرند. ایجاد امکانات و فرصت‌هایی برای افراد جهت ورود به بازارهای بزرگتر و الکترونیکی می‌تواند به توسعه کسب و کارهای خانگی و تعاونی‌ها کمک کند. ایجاد پلتفرم‌های آنلاین، حمایت از بازاریابی و فروش آنلاین، و تسهیل فرآیند حمل و نقل محصولات می‌تواند افراد را قادر سازد تا به مشتریان در سراسر کشور یا حتی جهان ارائه خدمات کنند. تشویق و حمایت از نمایشگاه‌ها و محفل‌های فرهنگی محلی، فرصتی را برای افزایش نمایش و فروش

محصولات خانگی و تعاونی‌ها فراهم می‌کند. این نوع رویدادها می‌توانند به افراد کم درآمد امکان ارتباط مستقیم با مشتریان را بدهند و فرصتی برای ارتقای شهرت و تبلیغات محصولاتشان باشند. تشویق به تشکیل کارگاه‌های کوچک در منازل و محل‌های مشترک می‌تواند به افراد کم درآمد این امکان را بدهد تا در تولید محصولات خانگی و تعاونی‌ها فعالیت کنند.

فهرست منابع

- اسکندری، محمد (۱۳۹۸) بررسی تأثیر کارآفرینی، مشاغل خانگی و تأثیر آن بر توسعه شهری. هفتمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری پایدار ایران، تهران.
- امیدی، سجاد؛ چهارسوقی امین، حامد (۱۳۹۷) نقش کسب و کارهای کوچک خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران. اقتصاد فضا و توسعه روستایی ۱۶۷-۱۸۲.
- امیری، صبا؛ نادری، نادر و محمدی فر، یوسف (۱۳۹۸) مفهوم پردازی چالش های کسب و کارهای خانگی در روستاهای استان کرمانشاه. پژوهش های روستایی، سال ۱۰، شماره ۲، ۱۷۲-۱۸۵.
- آگهی، حسین؛ میرک زاده، علی اصغر؛ تقی بیگی، معصومه (۱۳۹۱) اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی. فصلنامه زن و جامعه، ۳ (۳)، ۱۸۱-۲۰۲.
- باکینگهام، مارکوس؛ کلیتون، دونالد (۱۳۸۳) کشف توانمندی ها. ترجمه عبدالرضا رضایی نژاد، نشر فرا، ۱۳۸۳. ص ۱۳-۱۴. ۴۳.
- بهرامی، رحمت (۱۳۹۹) اثرات اقتصادی-اجتماعی صنایع روستایی (صنایع دستی و مشاغل خانگی) بر توسعه روستایی مورد: روستاهای شهرستان سنندج. نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی ۱۰۳، ۸۱ (۷۳) ۲۴.
- پرچی، داود؛ جلالی، فاطمه (۱۳۹۹) جافتادگی نهادی و اثربخشی آن بر کسب و کارهای خانگی. مجله جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۷ (۱۵)، ۸۹-۱۲۳.
- پوراسد، ناصر (۱۳۹۴) شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر رکود برخی از واحدهای تولیدی شهرستان ارومیه با رویکرد تحلیل سلسله مراتبی (AHP). پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه مهندسی صنایع. دانشگاه ارومیه.
- تقی بیگی، معصومه؛ آگهی، حسین؛ میرک زاده، علی اصغر (۱۳۹۳) بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام آباد غرب. فصلنامه پژوهش های روستایی، ۵ (۲)، ۲۸۳-۳۱۰.
- جاویدنیا، کوروش؛ جاویدنیا، مجتبی (۱۳۹۱) عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مهارت آموزی در بخش مشاغل خانگی: مطالعه موردی در شهرستان گرمسار. فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، ۶ (۱۷)، ۱۴۵.

جهانی دولت آباد، اسماعیل؛ جهانی دولت آباد، رحمان (۱۳۹۷) **راهکارهای توانمندسازی اقشار کم درآمد با تکیه بر مشاغل خانگی**. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۱۰۳-۱۳۹.

مرادنژادی، همایون؛ واحدی، مرجان (۱۳۹۸) **واکاوی موانع راه اندازی کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی استان ایلام**. فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی ۳۱۸، ۳۰۳ (۴۳) ۱۱.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) **راهنمای آمارگیری کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر**. معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی. کد سند: WI-۰۱-۰۵-۲۳-۰۱.

موریس و ویلکاکس (۱۳۷۹) **فن توانمندسازی**. ترجمه بدری نیک فطرت و همایون صمدی، نشر یساولی. ص ۱۵-۱۶.

وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۳۹۷). **صنعت، معدن و تجارت به روایت آمار و اطلاعات؛ گزارش شماره ۴۴- عملکرد مقدماتی سال ۱۳۹۶**. معاونت طرح و برنامه (دفتر آمار و فرآوری داده‌ها).

Barrett, R., Burgess, J., Walker, E., Wang, C., & Redmond, J. (2008) **Women and work-life balance: is home-based business ownership the solution?** Equal Opportunities International.

Bin Dahari, Z., Abu Bakar, A. R., & Al-Gosaibi, S. (2019) **Key Success Factors of Home-Based Business among Female Entrepreneur in Saudi Arabia**. Asia Pacific Journal of Business Review, 3(2), 43-66.

Du, Jian & Xu, Yue & Vos, Hinrich & Wang, Song. (2020) **the impact of home business network attributes on Chinese outward foreign direct investment**. International Business Review. 101779. 10.1016/j.ibusrev.2020.101779.

Kellett, Peter, and G. Tipple. (2000) **the home as workplace: a study of income-generating activities within the domestic setting**. Environment and Urbanization, 2(1): 203-214.

Mason, C. Carter, S. & Tagg, S. (2008) **Invisible businesses: the characteristics of home-based businesses in the UK**. Presentation to the center of Knowledge, Innovation, Technology, and Enterprise. Newcastle University.

Mellasyari, Tika & Andrianus, Fery & Nazer, Muhammad. (2019) **Analysis of the level of Household Welfare of Home Business in solok city**. Maqdis: Jurnal Kajian Ekonomi Islam. 4. 177. 10.15548/maquis. v4i2.256.

Reuschke, D., & Mason, C. (2020) **The engagement of home-based businesses in the digital economy**. Futures, 102542.

Verrest, H. (2013) **Rethinking micro-entrepreneurship and business development programs: Vulnerability and ambition in low-income urban Caribbean households**. *World Development*, 47, 58-70.